

A Study of Conditions and Strategies for Desirable Social Integration of Immigrants in Mashhad¹

Maryam Sohrabi

PhD in Sociology, Faculty of Literature and Humanities, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran

Hossein Akbari²

Associate Professor, Department of Social Sciences, Faculty of Literature and Humanities, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran

Gholamreza Sedigh Ouraee

Assistant Professor, Department of Social Sciences, Faculty of Literature and Humanities, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran

Rasoul Sadeghi

Associate Professor, Department of Demography, Faculty of Social Sciences, University of Tehran, Tehran, Iran

Received: 18 October 2022

Revised: 7 November 2022

Accepted: 20 November 2022

Abstract

Integration denotes the connection and integration of new components (here immigrants) into an existing system. Integration is a reciprocal process with mutual conciliation and agreement of immigrants and natives. In the integration process, programs designed for the education and training of immigrants are essential to promote their participation in society. Today, different societies struggle with a sizable population of immigrants and new arrivals, and this rapid expansion of immigration has underlined the importance of social integration of immigrants. This research aims to identify the conditions and strategies for social integration of immigrants. In this qualitative study, data were collected through semi-structured interviews and data analysis was conducted using grounded theory. Using purposeful sampling and theoretical saturation criterion, a sample of 28 immigrants was interviewed in Mashhad city. The collected data were coded and analyzed in the form

1. Extracted from PhD dissertation, defended at Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran

2. Corresponding Author. Email: h-akbari@um.ac.ir



©2024 The author(s). This is an open access article under the CC BY license: <https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>

How to cite this article: Sohrabi, M. , Akbari, H. , Sedigh Ouraee, G. and Sadeghi, R. (2025). A Study of Conditions and Strategies for Desirable Social Integration of Immigrants in Mashhad. Ferdowsi University of Mashhad Journal of Social Sciences, 22(1), 01-38. Doi: 10.22067/social.2022.79254.1245

of 2 main themes and 11 sub-themes. The results suggest that the conditions of desirable social integration include background conditions (including the themes of desired religious atmosphere, access to recreational facilities, suitable educational facilities and moral values of Mashhad), causal conditions (including the themes of non-discriminatory views, facilitated living conditions in Mashhad, anonymity, sense of independence and ease of participation in Mashhad society) and interfering conditions (including the themes of bad moral values, ethnic-religious prejudices and gender discriminations). Networking, optimal social adaptation, growth-oriented psychological skills, and support are some of the strategies for optimal social integration of immigrants in Mashhad.

Keywords: Desirable Social Integration, Push and Pull, Social Capital, Immigrants of Mashhad.



مطالعه شرایط و راهبردهای ادغام اجتماعی مطلوب مهاجران شهر مشهد^۱

مریم سهرابی (دانش‌آموخته دکتری جامعه‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران)

m.sohrabi.artan@gmail.com

حسین اکبری (دانشیار گروه علوم اجتماعی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران، نویسنده مسئول)

h-akbari@um.ac.ir

غلامرضا صدیق اورعی (استادیار گروه علوم اجتماعی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران)

sedighourae@um.ac.ir

رسول صادقی (دانشیار گروه جمعیت‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، تهران، ایران)

rassadeghi@ut.ac.ir

چکیده

امروزه جوامع مختلف با جمعیت قابل ملاحظه‌ای از مهاجران و تازه‌واردان روبه‌رو هستند که این گسترش مهاجرت‌ها، بیش از پیش بر اهمیت موضوع ادغام اجتماعی مهاجران افزوده است. هدف از تحقیق حاضر شناسایی شرایط و راهبردهای ادغام اجتماعی مطلوب مهاجران است. تحقیق حاضر به روش کیفی انجام شده است. داده‌های این مطالعه از طریق مصاحبه نیمه‌ساخت‌یافته گردآوری شده و از روش نظریه زمینه‌ای برای تحلیل داده‌ها استفاده شده است. با کمک نمونه‌گیری هدفمند و با معیار اشباع نظری با ۲۸ نفر از مهاجران در شهر مشهد مصاحبه گردید و نهایتاً داده‌های گردآوری شده در قالب دو مضمون اصلی و ۱۱ مضمون فرعی، کدگذاری و تحلیل گردید. نتایج نشان می‌دهد که شرایط بروز ادغام اجتماعی مطلوب شامل شرایط زمینه‌ای (با مضامین فضای مذهبی دلخواه، دسترسی به امکانات تفریحی، امکانات مناسب آموزشی و ارزش‌های اخلاقی مطلوب مشهد)، شرایط علی (با مضامین نبود نگاه تبعیض‌آمیز، تسهیل شرایط زندگی در مشهد، گمنامی، احساس استقلال و دسترسی به مشارکت در جامعه)

۱. این مقاله مستخرج از رساله دکتری نویسنده اول مقاله در دانشگاه فردوسی مشهد است.

مشهد) و شرایط مداخله‌گر (با مضامین ارزش‌های اخلاقی نامطلوب مبدأ، تعصبات قومی - مذهبی مبدأ و تبعیض‌های جنسیتی در مبدأ) می‌شود. مواردی مثل شبکه‌سازی، سازگاری مطلوب اجتماعی، مهارت‌های روان‌شناختی رشد‌محور و حمایت‌محوری از جمله راهبردهای مهاجران به ادغام اجتماعی مطلوب در شهر مشهد است.

واژگان کلیدی: ادغام اجتماعی مطلوب، دافعه و جاذبه، سرمایه اجتماعی، مهاجران شهر مشهد.

۱. مقدمه

جامعه‌شناسان همواره به انطباق و وفق یافتن مهاجرین با جامعه مقصد توجه دارند و اصطلاحات همگون‌سازی^۱، فرهنگ‌پذیری^۲، یکی‌سازی^۳ و ادغام^۴ را به انحاء مختلف در تحقیقات و اندیشه‌ورزی‌ها به کار می‌برند. ادغام به‌خودی‌خود به معنای اتصال و پیوست و ترکیب اجزای جدید (مهاجران) در یک نظام پیشین است. ادغام فرایندی دوجانبه و با سازش و توافق دوسویه مهاجران و بومیان است. در روند ادغام، برنامه‌های مرتبط با تعلیم و تربیت مهاجرین برای افزایش و ارتقاء مشارکت آن‌ها در جامعه ضروری است (رابلی و شاو، ۱۹۹۱: ۴).

ادغام وضعیتی ایده‌آل از همزیستی مساوات‌طلب^۵ گروه‌های مختلف قومی، در یک جامعه چندفرهنگی است. در این معنای ایده‌آلی، ادغام زمانی دارای شأن بررسی است که بین زمینه‌های قومی و فرهنگی فرد با فرصت‌ها و موقعیت‌های قابل تحصیل وی در جامعه میزبان، چالش جدی وجود داشته باشد. زمانی که از ادغام سخن به میان می‌آید یک نظام اجتماعی مشترک همچون نهادهای اجتماعی، یا محل کار افراد که در آن افراد و گروه‌های مختلف قومی، برای مشارکت و

-
1. Assimilation
 2. Acculturation
 3. Incorporation
 4. Integration
 5. Rublee & Shaw
 6. egalitarian coexistence

تعلق داشتن تلاش می‌کنند (هلگرن^۱، ۲۰۱۶: ۱۴۵). به زعم پنیکس و گریسیز^۲ (۲۰۱۶) ادغام دال بر فرایند پذیرفته شدن در جامعه میزبان است. ادغام منکر چالش‌های ذاتی منبعث از تفاوت‌های فرهنگی عمیق نیست و همچنین برای افراد حق صیانت از هویت فرهنگی‌شان را قائل است.

اهمیت مطالعه حاضر در این است که عدم ادغام اجتماعی مهاجران چالش‌های اساسی و مهمی را متوجه جامعه میزبان می‌کند. طرد اجتماعی^۳ با ایجاد فضایی متخاصم^۴ و ناآرام تهدیدی برای پیوستگی اجتماعی^۵ جامعه میزبان محسوب می‌شود. از مهم‌ترین نشانه‌های وجود شکاف مهاجر-میزبان و ادغام نشدگی مهاجران، سطح اعتماد و قدرت ریسک پایین (حتی در نسل‌های بعدی) است. همچنین آن‌ها خود را اهل آن شهر یا کشور نمی‌دانند (آلگان^۶ و همکاران، ۲۰۱۰: ۵). با این وجود افراد جامعه میزبان بیشتر به تأثیرات اجتماعی مهاجرت بر جامعه خود توجه می‌کنند. داستمن^۷ و پرستان^۸ (۲۰۰۷) اذعان می‌دارند که در بریتانیا مخالفت با مهاجرت، با تعصبات نژادی رابطه نزدیکی دارد و نه صرفاً با نگرانی درباره هزینه‌های مالی^۹ و رقابت‌های بازار کار؛ اما در حقیقت تبعیض قائل شدن درباره مهاجران ملغمه‌ای از انواع عوامل اقتصادی (در بازار کار و دولت‌های رفاه) و عوامل اجتماعی (به‌خصوص درباره مهارت^{۱۰}) رخ می‌دهد. افزون بر شرایط دستمزد، اشتغال و آموزش رسمی مهاجران باید ادغام اجتماعی و موانع آن را نیز مدنظر قرار داد؛ چراکه مشخص ساختن عوامل تسهیل‌کننده^{۱۱} و همچنین گندکننده^{۱۲} ادغام در

1. Hellgren
2. Penninx & Garcés
3. Social exclusion
4. Hostility
5. Social cohesion
6. Algan
7. Dustmann
8. Preston
9. Fiscal costs
10. Low-skilled
11. Facilitating
12. Hindering

ابعاد اقتصادی و نیز اجتماعی هم برای شرایط اقتصادی و رفاه مهاجران و هم برای جوامع میزبان تعیین کننده است (گاتمن^۱ و همکاران، ۲۰۱۵: ۲۵).

شهر مشهد به عنوان مهم ترین قطب گردشگری مذهبی در کشور و دومین شهر مذهبی دنیا نیز از قاعده مهاجرپذیری مستثنی نیست و دربرگیرنده سنن فرهنگی و اجتماعی متکثر و متنوعی است که مهاجران با خود به همراه آورده اند. مهاجرانی با زمینه های مختلف قومی و مذهبی که حیات اجتماعی و اقتصادی شهر را متأثر ساخته اند (نجف زاده، ۱۳۸۹: ۱۱۹).

گسترش ناموزون شهر مشهد و متصل شدن روستاهای اطراف به آن، یکی از مهم ترین مسائل شهری مشهد است. بنا بر آمار سرشماری سال ۱۳۸۶ حدود ۸۸۳ هزار نفر در مشهد ساکن حاشیه شهرند که این تعداد در اوایل دهه ۹۰ شمسی به حدود یک میلیون و ۲۰۰ هزار نفر رسیده است. مناطق حاشیه ای با گستره ای شامل ۱۳ درصد از مساحت مشهد مقدس حدود ۳۲ درصد جمعیت این شهر را در خود جا داده است و به گفته کارشناسان در مجموع چهار هزار و ۷۳ هکتار از مساحت مشهد شامل این مناطق است (رحیمیان، ۱۳۹۴). ادغام و حاشیه نشینی دو مقوله بسیار وابسته اند. شدت این نسبت به حدی است که حاشیه نشینی را نه فقط دوری فیزیکی از شهر بلکه هر نوع رانده شدن از جامعه می دانند (آخوندی، ۱۳۹۴: ۲۱). این در حاشیه قرار گرفتن از اجتماع شهری صراحتاً دال بر عدم ادغام یا ادغام نامطلوب گروه های اجتماعی در جامعه جدید است. جمعیت ادغام نشده به دلیل عدم دسترسی به فرصت های اقتصادی و فقدان مناسبات اجتماعی کارآمد، اتصال با جامعه مقصد را از دست داده و به زندگی در حاشیه شهر رانده می شود. می توان گفت مهاجرین حاشیه نشین نمونه تمام عیار گروه های ادغام نشده در جامعه میزبان هستند و حاشیه نشینی بارزترین مظهر شهری عدم ادغام آنها است. این موضوع افزون بر اینکه زائیده ادغام نشدگی است، بلکه با دامن زدن به فاصله و نابرابری گروه های اجتماعی آن را تشدید می کند (فاضلی، ۱۳۷۵: ۲). در چنین شرایطی وضعیت شناسی ادغام این گروه ها در کالبد اجتماعی شهر حائز اهمیت و دارای شأن بررسی و مطالعه است. ناظر بر اهمیت کسب شناخت و

برنامه‌ریزی در این خصوص، این پژوهش با هدف مطالعه شرایط و راهبردهای ادغام اجتماعی مهاجرین داخلی به مشهد انجام می‌شود.

۲. پیشینه پژوهش

تحقیقات بسیاری در خارج از کشور درباره مسائل مهاجرین و ادغام آن‌ها انجام شده است. علی‌رغم وجود تحقیقاتی درباره آسیب‌شناسی مناطق حاشیه‌نشین، لیکن تحقیقات داخلی منحصراً ادغام اجتماعی اقتصادی را - به جز موارد انگشت شمار - بررسی نمی‌کنند و تحقیقات مربوط به مهاجرین مشهد بعضاً پراکنده و نامرتب هستند و با رویکردها و مسئله‌شناسی‌های مختلف شهرسازی، مدیریت شهری و جغرافیای انسانی انجام گرفته‌اند. از همین روی در قسمت حاضر تحقیقات فارسی درباره ادغام اجتماعی مهاجران در سایر شهرهای ایران مرور شده، و در قسمت دیگر به بررسی تحقیقات خارجی با نگاه نظام‌مند پرداخته و انواع تحقیقات دسته‌بندی می‌گردد. در این قسمت پیشینه با توجه به ادغام اجتماعی مرور شدند.

فرزادمنش و بشیر (۱۴۰۱) مطالعه‌ای با هدف گونه‌شناسی ادغام هویتی اقوام افغانستانی در ایران به روش کیفی انجام دادند که نتایج این مطالعه نشان می‌دهد هویت ظاهری از منظر شباهت به ایرانیان موجب ادغام بیشتر افغانستانی‌ها می‌شود و زمانی که این شباهت ظاهری در تقاطع با زبان فارسی و مذهب شیعه قرار می‌گیرد، دو راهبرد یکپارچگی و همانندسازی به اوج خود می‌رسد. ولیقلی زاده (۱۳۹۸) تحقیقی را با روش توصیفی - تحلیلی و با هدف بررسی رفتارهای هویتی و رابطه بین حس تعلق به هویت قومی و ملی را در میان ساکنان مهاجر آذربایجانی کلان‌شهر تهران انجام داد که مطابق نتایج تحقیق، رفتارهای هویتی ساکنان مهاجر آذربایجانی، علی‌رغم گرایش به هویت قومی، به خاطر سابقه طولانی علاقه‌مندی آذربایجانی‌ها به کشور و هویت ملی، بیشتر در راستای هم‌گرایی با هویت ملی است. ظهیری‌نیا (۱۳۹۵) تحقیقی را با هدف بررسی وضعیت اجتماعی و فرهنگی مهاجران شهر بندرعباس انجام داد که نتایج آن نشان می‌دهد برقراری تعاملات اجتماعی بین گروه‌های مهاجر، ازدواج‌های بین گروهی و فعالیت‌های

اقتصادی مشترک از جمله نشانه‌های بارز انسجام اجتماعی و هم‌گرایی گروه‌های مهاجر ساکن در شهر بندرعباس هستند.

فاوده^۱ (۲۰۲۲) تحقیقی را با هدف بررسی میزان ادغام مهاجران فلسطینی در فرانسه با روش تحلیل داده‌های ثانویه و روش کیفی انجام داد. نتایج تحقیق نشان داد که دانشجویان و بازرگانان از انواع مهاجران فلسطینی با بالاترین سطح ادغام در جامعه فرانسه هستند. همچنین ازدواج به عنوان یک مکانیسم ادغام مهم برای زنان و مردان نقش مهمی ایفا می‌کند. علی‌رغم این واقعیت که سیستم ژاکوبین فرانسه^۲ همه مهاجران را ملزم به جذب در جامعه فرانسه می‌کند، این امر بر درک هویت اصلی فلسطینی تأثیری نداشته است. این مهاجران هنوز خود را فلسطینی معرفی می‌کنند. کوغان^۳ و همکاران (۲۰۱۹) تحقیقی را درباره مذهبی بودن و ادغام مهاجران جوان انجام دادند. یافته‌ها حاکی از آن است که رابطه وابستگی مذهبی (به‌ویژه در مسلمانان) و سایر پیامدهای آن، مانند دوستی‌های بین قومی، نگرش‌های جنسی، رفتارهای انحرافی و دستیابی به تحصیلات، چندوجهی و ظریف است. نتایج تحقیق کونر^۴ (۲۰۱۹) درباره مذهب و ادغام اجتماعی مهاجران در دوبلین ایرلند نشان داد که در کلیسا متولدین ایرلند و متولدین در خارج از ایرلند به‌طور مکرر در ارتباط هستند و این نتایج نشان می‌دهد که مذهب پلی است که ادغام اجتماعی را تشویق می‌کند. این در حالی است که اعضای نسل دوم متولد ایرلند در اجتماعات بزرگ‌تر به کلیسا شک دارند و آن را یک نوع فرقه مذهبی در نظر می‌گیرند. مذهب را می‌توان مانعی دانست که توانایی مهاجران را برای ادغام در جامعه به تعویق می‌اندازد. به‌طور کلی باید بیان کرد که مذهب و هویت دینی در روند ادغام اجتماعی در دوبلین ایرلند یک کارکرد دوگانه دارد. فیلمنو^۵ (۲۰۱۹) تحقیقی درباره پتانسیل‌های گفتگویی مربوط به هویت اجتماعی و تنوع در ادغام اجتماعی مهاجران انجام داد. نتایج نشان می‌دهد که گفتگوهای مهاجران تازه‌وارد درباره هویت اجتماعی

1. Fawadleh

۲. ژاکوبین‌ها نام یک حزب در انقلاب فرانسه بود. افراد حزب به اصولی که خود آن را دموکراسی افراطی و برابری مطلق می‌دانستند، متعهد بودند.

3. Kogan

4. Conner

5. Filomeno

و تنوع متناسب با بسیاری از شرایط ایده‌آل بیان شده در مدل‌های ارتباطات بین‌گروهی است و احتمالاً ادغام اجتماعی مهاجران را تسهیل می‌کند. شرکت‌کنندگان گزارش کردند که احساسات درک متقابل و تمایل به همکاری در تفاوت‌های فرهنگی بهبود یافته است.

آلارین و نیورایتا^۱ (۲۰۱۹) تحقیقی دربارهٔ ادغام اجباری مهاجران و نگرش به مهاجرت در اروپا انجام دادند. نتایج نشان می‌دهد که نه زبان اجباری و نه الزامات ادغام اجتماعی تأثیر معناداری بر حمایت عمومی از مهاجرت نمی‌گذارد. نتایج حکایت از این دارد که مبدأ یا کشورهای مبدأ مهاجران مرجع اصلی برای استفاده از سیاست‌های دوستانه یا خصمانه با مهاجران است. بنابراین سیاست ادغام اجباری کمکی به کاهش نگرش‌های ضد مهاجران نکرده است. سوبولاسکا^۲ و همکاران (۲۰۱۹) تحقیقی دربارهٔ نظرات عمومی دربارهٔ ادغام مهاجران در هلند و بریتانیا انجام دادند. نتایج نشان می‌دهد که ادغام توسط افراد جامعهٔ میزبان به‌عنوان یک فرآیند پیچیده و چندبعدی درک می‌شود و نظر افراد جامعهٔ میزبان با توجه به نحوهٔ مشاهدهٔ تجربی افراد دربارهٔ پیامدهای حضور مهاجران متفاوت است. فجت و بیلگیلی^۳ (۲۰۱۸) تحقیقی را دربارهٔ ارتباط بین تمرکز ساکنین^۴ و ادغام مهاجران در هلند انجام دادند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که نرخ بالای ساکنین غیرغربی در یک منطقه، با کاهش ارتباط اجتماعی با بومیان هلندی مرتبط است. درحالی‌که پیوندهای اجتماعی با دیگر پیامدهای ادغام واقعی ارتباط دارد، زندگی در یک محله متمرکز، با پیامدهای بدتر ادغام در شغل، درآمد و وابستگی به هویت هلندی رابطه‌ای ندارد.

پیشینهٔ تحقیق را بر حسب موضوع متغیرهای مستقل می‌توان جمع‌بندی کرد. دربارهٔ متغیرهای مستقل باید گفت که عناصر نظریهٔ سرمایهٔ اجتماعی می‌تواند بر ادغام تأثیر بگذارد. از بین عناصر نظریهٔ سرمایهٔ اجتماعی، شبکهٔ روابط پلی^۵ و اعتماد تعمیم‌یافته اهمیت بیشتری نسبت به شبکهٔ

1. Alarian & Neureiter

2. Sobolewska

3. Fajth & Bilgili

4. Residential concentration

5. bridging

روابط پیوندی^۱ و اعتماد بین فردی دارند. وابستگی مذهبی و قومی هم بر ادغام تأثیرگذارند. در این دو متغیر، هر چه افراد از هویت گروهی و خاص خود فاصله بگیرند و به هویت جامعه میزبان نزدیک‌تر شوند می‌تواند احتمال ادغام بیشتر مهاجران را متصور شد. برعکس، اگر افراد هویت قومی و دینی زیادی داشته باشند و شبکه ارتباطات خود را از روابط پیوندی به پلی تبدیل نکنند، به احتمال کمتر در بازار کار جامعه میزبان مشارکت خواهند کرد و ادغام نامناسب‌تری را نشان می‌دهند.

۳. مبانی نظری پژوهش

یکی از وجوه تمایز پژوهش‌های کمی و کیفی در شیوه به کارگیری و استفاده آنها از مفاهیم نظری است؛ به این معنا که در تحقیقات کمی بیشتر بر پایه آزمون فرضیات استخراج شده از چارچوب نظری هدایت می‌شوند، اما در پژوهش کیفی از نظریه در جهت صورت‌بندی پرسش‌های پژوهش، شناسایی مفاهیم حساس و حساسیت نظری که راهنمای مراحل مختلف تحقیق است، بهره گرفته می‌شود. اشترواس و کوربین (۱۳۹۱) نیز معتقدند تحقیقات کیفی، پژوهش‌هایی اکتشافی‌اند، بنابراین محقق از همه مقولات مناسب و مربوط به نظریه‌اش آگاهی قبلی نخواهد داشت و عموماً بعد از اینکه مقوله‌ای آشکار شد ممکن است بخواهد به متون تخصصی مراجعه نماید و ببیند آیا این مقوله در آنجا یافت می‌شود یا نه و اگر وجود دارد سایر محققان درباره‌اش چه نظری دارند؟ براین اساس، پژوهش حاضر بر نظریات و مفاهیم نظری قابلیت ارجاع و استناد مبتنی است که در زیر به آن‌ها پرداخته می‌شود:

۳. ۱. **نظریه زیمل**^۲: او در اثر خود با عنوان «غریبه»^۳ (۱۹۰۸، ۱۹۵۰) موضوعاتی را مورد بحث قرار داد که تا امروز همچنان برای محققان مهاجرت کاربردی است. مهاجر مقیم مظهر آشکاری از «غریبه» است که در میان «ما» زندگی می‌کند اما از «ما» نیست و ایده زیمل اغلب در بحث مهاجرت مطرح شده است. مهاجران از نظر جسمی در بیشتر کشورها حضور دارند اما همیشه

1. bonding

2. Simmel

3. The Stranger

به عنوان بخشی از جامعه اجتماعی یا ملی پذیرفته نمی شوند. آنها نه تنها به عنوان «یکی از ما» پذیرفته نمی شوند؛ بلکه تنوعی که آنها در جامعه ایجاد می کنند گاهی مضر تلقی می شود. نکته ای که در مورد مهاجر مقیم وجود دارد این است که وی از نظر جسمی بخشی از جامعه است و از این رو دارای ویژگی های ملی، اجتماعی و شغلی با جامعه غیرمهاجر مستقر است. او با «ما» زندگی می کند، کار می کند، مدرسه می رود اما «یکی از ما» نیست (اندرسون^۱، ۲۰۱۳: ۱۳۲). در همین راستا زیمل (۱۹۰۸، ۱۹۵۰: ۴۰۴) بیان می کند که «غریبه به ما نزدیک است، تا آنجا که بین او و خودمان ویژگی های مشترک ملی، اجتماعی، شغلی یا به طور کلی انسانی را احساس می کنیم. او از ما دور است، تا آنجا که این ویژگی های مشترک فراتر از او یا ما است و فقط به این دلیل است که بسیاری از افراد را به هم متصل می کند».

۲.۳. نظریه چرخه رابطه نژادی^۲: بوگاردوس^۳ (۱۹۳۰) در میان اولین کسانی بود که چرخه رابطه نژادی را پیشنهاد داد. وی ادغام مهاجران را در هفت مرحله توصیف می کند. اولین مرحله، کنجکاوی، با علاقه و همدلی دوستانه نسبت به مهاجران تازه وارد مشخص می شود (بوگاردوس، ۱۹۳۰: ۶۱۳). به دنبال آن استقبال اقتصادی^۴ صورت می گیرد که باعث مرحله دوم می شود. مهاجران در اقتصاد کشور پذیرنده مشغول به کار می شوند. در مرحله بعدی، با تضاد صنعتی و اجتماعی، جمعیت بومی مهاجران را به عنوان رقبایی مشاهده می کنند که مدیون افزایش تعداد مهاجران و فرزندان آنها و همچنین تمایل آنها به تحرک اجتماعی رو به بالا است. جمعیت بومی از عدم همگون سازی مهاجران، تفکیک مسکونی و قدرت باروری بالاتر می ترسد و در نتیجه، تلاش برای جلوگیری از دسترسی مهاجران به برخی مناطق مسکونی و جلوگیری از تحرک شغلی آنها به سمت بالا به وجود می آید. اما این اقدامات با ارزش های جهان گرایانه جامعه پذیر در تناقض است. این تضاد توسط بخشی از جامعه پذیرنده مورد توجه قرار گرفته و گرایش های

1. Anderson

2. Race Relation Cycles

3. Emory Bogardus

4. economic welcome

مساوات طلبانه^۱ را در مرحله پنجم تولید می‌کند. در این مرحله، ملاحظات بیان می‌شود که هدف آنها از بین بردن تبعیض است. اگرچه مخالفت با اقدامات تبعیض‌آمیز به خوبی سازماندهی نشده است، اما در نهایت موفق می‌شود. مهم‌ترین دلیل آن این است که در صورت تبعیض از مهاجران، اعتبار کشور پذیرنده آسیب می‌بیند. این تضاد با سکون^۲ همراه است که حتی ممکن است موج جدیدی از همدردی با مهاجران را به وجود آورد. آخرین مرحله در چرخه رابطه نژادی بوگاردوس از مشکلات نسل دوم^۳ تشکیل شده است. فرزندان مهاجران با حوزه‌های اصلی جامعه پذیرنده منطبق می‌شوند و ارتباط خود را با کشور مبدأ والدین از دست می‌دهند (بوگاردوس، ۱۹۳۰: ۶۱۴-۶۱۷).

۳.۳. نظریه جاذبه و دافعه^۴: لی^۵ (۱۹۶۶) در قالب این نظریه بیان می‌کند که مهاجرت توسط حضور عوامل جذاب در مقصد و عوامل دارای دافعه در مبدأ توضیح داده می‌شود. از نظر مهاجران عوامل موجود در مقصد بیشتر مثبت و عوامل موجود در مبدأ بیشتر منفی ارزیابی می‌گردند. اوبرگ^۶ (۱۹۹۶) بیان می‌کند که این عوامل در مهاجرت‌های بین‌المللی به دو دسته عوامل سخت و نرم تقسیم می‌شوند. عوامل سخت شامل مواردی مثل بحران‌های بشردوستانه، درگیرهای مسلحانه و جنگ، بلایای طبیعی و زیست‌محیطی می‌شوند، این در حالی است که عوامل نرم مواردی مثل فقر، بیکاری و محرومیت اجتماعی می‌باشند. از نظر بیجک^۷ (۲۰۱۱) غلبه عوامل خاص تا حدودی خصوصیات جمعیت مهاجر را تعیین می‌کند. به این صورت که عوامل مطلوب جذاب در مقصد تمایل به جذب مهاجرانی دارد که سرمایه انسانی یا انگیزه مناسبی دارند.

1. Fair-play tendencies

2. Quiescence

3. Second generation difficulties

4. push-and-pull factors approach

5 Lee

6. Öberg

7. Bijak

۳.۴. نظریه پارسونز^۱: نظریه آجیل روی چهار کارکرد ضروری بنا شده و شامل کارکرد انطباق، کارکرد دستیابی به هدف، کارکرد انسجام و کارکرد نگهداشت الگو می‌باشد. آدامز و سایدی^۲ (۲۰۰۱) در کتاب خود با عنوان «نظریه جامعه‌شناختی» بیان می‌کنند که چهار اقدام عملی بقای یک سیستم و نظام را ضمانت می‌کند. در ابتدا یک نظام باید با پویایی‌های محیط اطراف خود انطباق یابد و باید توانایی لازم را برای تأمین خواسته‌های لحظه‌ای دائماً در حال تغییر داشته باشد. سازوکارهایی انطباق جامعه میزبان، ادغام مهاجران است. ورود مهاجران نیازمند این است که جامعه میزبان انطباق‌پذیر و پویا باشد و شرایط را برای حضور و فعالیت مهاجران در جامعه فراهم کند. دوم، پیشرفت جامعه میزبان به‌طور معناداری به این مرتبط است که این جامعه چقدر فرصت‌ها را برای مهاجران فراهم می‌کند. این طرح باید شامل ادغام مهاجران در بافت و زمینه نظام اجتماعی باشد. ماندگاری و ثبات ادغام می‌تواند بقای مهاجران را در کوتاه و بلند مدت ضمانت کند (هلبلینگ^۳ و همکاران، ۲۰۱۹). سوم، ادغام در یک نظام به هماهنگی روابط در میان بخش‌ها نیاز دارد. تأمین شغل، آموزش و حمایت اجتماعی از مهاجران از جمله عوامل ضروری برای ماندگاری و ثبات ادغام است. ادغام مهاجران به این روش برای تقویت امنیت و نظم اجتماعی و پیشگیری از جرم برای جرائمی که در غیر این صورت ممکن است توسط مهاجران انجام شود، لازم است. چهارم، نگهداشت الگو نیازمند یک نظامی است که انگیزه‌ها افراد و الگوهای فرهنگی که به افراد جهت می‌دهد را تولید و بازتولید کند. تغییرات نگرشی به مهاجران یک ابزار ضروری برای ادغام است. همچنین عمل به قوانین و قراردادهای ملی و بین‌المللی توسط جامعه میزبان ممکن است تضاد بین افراد این جامعه را با مهاجران کاهش دهد (اولایا^۴، ۲۰۲۰: ۷۱).

-
1. Talcott Parsons
 2. Adams & Sydie
 3. Helbling
 4. Olaiya

۳. ۵. نظریه سرمایه اجتماعی: پاتنام^۱ (۲۰۰۰) بین دو نوع شبکه تفاوت قائل می‌شود: ۱- شبکه‌هایی که متنوع و مجزا هستند و دوام زیادی ندارند و مبتنی بر روابط با افراد غیر آشنا است (شبکه‌های پلی^۲)؛ ۲- شبکه‌هایی که تک‌رشته‌ای ولی با دوام است و مبتنی بر ارتباط با افراد آشنا می‌باشد (شبکه‌های پیوندی^۳). لانسی^۴ (۲۰۱۰) مدعی است که شبکه‌سازی درون گروه‌های قومی و فرهنگی اطلاعات تا حد زیادی محدود و زائد را فراهم می‌کند ولی ممکن است برای سال‌های اولیه سکونت مفید باشد. این در حالی است که شبکه‌سازی بین قومیتی اطلاعات جدید، متنوع و مفید را در دسترس افراد قرار می‌دهد که می‌تواند به منفعت‌های اجتماعی و اقتصادی تبدیل شود (گرانووتر^۵، ۱۹۷۳). مارشال و استول^۶ (۲۰۰۴) بیان می‌کنند که افراد براساس خصوصیات نژادی، فرهنگی و قومی مشترک، نگرش‌های درون‌گروهی براساس اعتماد، تعاملات و همکاری‌های دوگانه را گسترش می‌دهند. همچنین تعاملات با افراد از گروه‌ها و فرهنگ‌های دیگر به دلیل کاهش تفاوت‌های بین گروهی مفید است. ارزش اکتشافی چنین رویکردهایی برای درک فرایندهای ادغام مفید است.

۳. ۶. مدل یکی‌سازی چندپاره: مدل یکی‌ساز (پورتز و رامبو^۷، ۲۰۰۱، ۲۰۰۶) بیانگر این است که نتایج تلفیق نسل اول عمدتاً به تعامل خصوصیات فردی، مانند سرمایه انسانی و بستر جامعه پذیرنده بستگی دارد. با توجه به مورد دوم، سیاست‌های دولتی، فاصله اجتماعی بین جمعیت بومی و گروه مهاجران و اجتماع قومی از عوامل اصلی هستند. (پورتز و رامبو، ۲۰۰۱: ۴۶). سیاست‌های دولت در قبال مهاجران می‌تواند از پذیرش تا بی‌تفاوتی و سرانجام خصمانه باشد. (پورتز و ژو^۸، ۱۹۹۳: ۸۳). این سیاست‌های مختلف می‌تواند به‌طور مؤثر ادغام مهاجران را به‌عنوان مثال، با حمایت فعال از ادغام یا سوق دادن مهاجران به سمت غیرقانونی و حاشیه‌ای،

1. Putnaum

2. bridging

3. bonding

4. Lancee

5. Granovetter

6. Marshall & Stolle

7. Portes & Rumbaut

8. Portes & Zhou

هدایت کند. مهاجران حرفه‌ای بسیار ماهر ممکن است واجد شرایط حمایت مالی یا سایر برنامه‌های ویژه باشند که به ادغام در جامعه پذیرنده کمک می‌کند، درحالی‌که مهاجران کارگری غیرماهر، در اغلب موارد، دارای وضعیت حقوقی نامطلوبی هستند و با سیاست‌هایی مخالف ورود و ماندگاری این گروه در کشور هستند. علاوه بر سیاست‌های رسمی، پذیرش اجتماعی مهاجران بر روند ادغام آنها تأثیر می‌گذارد (پورتز و رامبو، ۲۰۰۱: ۴۷). اگر فاصله اجتماعی بین جمعیت بومی و مهاجران کم باشد، این می‌تواند روند ادغام را تسهیل کند. برعکس، اگر فاصله اجتماعی زیاد باشد، این می‌تواند مانع از ادغام شود، به‌ویژه اگر زمینه‌های قومی افراد به راحتی قابل شناسایی باشد؛ زیرا آنها به گروه‌های غیر سفیدپوست به‌طور معمول تعلق دارند (پورتز و ژو، ۱۹۹۳: ۸۴).

۳. ۷. مدل ادغام بین نسلی: این نظریه از سه مؤلفه اصلی تشکیل شده است. (اسر^۱، ۲۰۰۸: ۸۷). این مدل بنا بر فردگرایی روش‌شناختی، یعنی تلاش برای تبیین پدیده‌های اجتماعی (به‌عنوان مثال الگوهای ادغام مهاجران) با اشاره به کنش‌های فردی است. بنابراین مؤلفه اول مسیرهای جایگزین کنش مهاجران را مشخص می‌کند. مؤلفه دوم این کنش‌های جایگزین را به شرایط ساختاری مهاجران پیوند می‌دهد. مشابه نظریه‌های یکی‌سازی و همگون‌سازی چندپاره، مدل ادغام بین نسلی بین عوامل زمینه‌ای و فردی تفاوت قائل می‌شود. هر دو نظریه فرض می‌کنند که عوامل زمینه‌ای شرایط مؤثر بر تصمیمات و کنش‌های فردی هستند. باین‌حال، روند تصمیم‌گیری و اقدام مهاجر در نظریه‌های بحث شده تاکنون ضمنی باقی مانده است. در مقابل، مدل ادغام بین‌نسلی صریحاً روند تصمیم‌گیری را مد نظر قرار می‌دهد (اسر، ۱۹۸۰: ۲۱۱). مؤلفه سوم مشخص می‌کند که پدیده‌های اجتماعی - در این مورد الگوهای خاصی از ادغام مهاجران - به‌عنوان نتیجه بالقوه ناخواسته کنش‌های تعمودی، به وجود می‌آیند. روند و نتایج ادغام مهاجران را می‌توان طبق مدل فقط از طریق بازسازی چگونگی تصمیم‌گیری افراد برای کنش با توجه به موقعیتی که در آن قرار دارند و فرصت‌ها و محدودیت‌هایی که با آن روبه‌رو هستند، توضیح داد. ایده کلی این مدل این است که همه افراد برای دستیابی به رفاه مادی و تأیید اجتماعی تلاش

می‌کنند تا اهداف اجتماعی را از طریق سرمایه‌گذاری و صرف وقت انجام دهند (اسر، ۲۰۰۶: ۳۹) مشکلی که مهاجران با آن روبه‌رو هستند این است که ممکن است آنها از منابع لازم برای تولید مؤثر رفاه در کشور پذیرنده برخوردار نباشند و یا اینکه منابع و سرمایه‌هایی که در اختیار دارند در اثر مهاجرت کاهش یابد. نظریه اقتصادی از این مسئله به‌عنوان مشکل انتقال سرمایه (انسانی) یاد می‌کند (فریدبرگ^۱، ۲۰۰۰).

۳. ۸. نظریه هابرماس^۲: به باور هابرماس در جوامع چند فرهنگی تمایزگذاری‌های اجتماعی متکی بر مبانی قومی و فرهنگی وجود دارد که به‌خصوص مهاجران را از اکثریت اعضای جامعه میزبان تفکیک می‌کند. این تقسیمات مانع از ایجاد یک حوزه عمومی^۳ می‌شود که در آن مهاجران قادر به شنیدن صدای خود هستند (فاینی^۴، ۲۰۰۹: ۴). هابرماس (۲۰۱۰) حوزه عمومی را به‌عنوان قلمرو زندگی اجتماعی ما که می‌تواند چیزی نزدیک به افکار عمومی را شکل دهد، مفهوم‌بندی می‌کند. عرصه‌ای که در آن شهروندان به‌عنوان یک فضای عمومی رفتار و به‌طور نامحدود مشارکت می‌کنند. او فرض می‌کند که تشکیل یک حوزه عمومی مستلزم تضمین آزادی گروه‌ها و اجتماعات همراه با آزادی بیان عقاید در مورد موضوعات مورد علاقه عموم مردم است. علاوه بر این، او پیشنهاد می‌کند که هنجارها و شیوه‌های رفتاری که تحت تأثیر یک حوزه عمومی فعال قرار می‌گیرند عبارتند از: دسترسی عمومی، حذف امتیازات و هنجارهای عمومی و مشروعیت عقلانی (هابرماس، ۲۰۱۰: ۱۱۹). همچنین برانکهورست^۵ (۲۰۰۲) مدعی است که مشارکت فعال مهاجران در روند دموکراتیک و ادغام اجتماعی و سیاسی به‌ویژه با اعضای اکثریت وابسته به تعامل اجتماعی است.

به‌طور کلی نظریات این قسمت را می‌توان در دو دسته فردی و زمینه‌ای قرار داد. در دسته فردی، انگیزه و شناخت از عوامل اساسی هستند. انگیزه به مطلوبیت ذهنی مرتبط با یک نتیجه خاص اشاره دارد. شناخت به یقین (ذهنی) اشاره دارد که یک کنش منجر به نتیجه مطلوب و

1. Friedberg
2. Habermas
3. public sphere
4. Finney
5. Brunkhorst

احتمال تحقق نتیجه خواهد شد. در دسته زمینه‌ای، فرصت‌ها و محدودیت‌ها از عوامل اساسی هستند؛ زیرا آنها ساختار زیربنای کنش فردی را تشکیل می‌دهند. برای مثال، اگر جامعه پذیرنده باز باشد و اجازه تحرک اقتصادی- اجتماعی را بدهد، این امر می‌تواند استراتژی‌های ادغام‌ساز را مفید تشخیص دهد. در مقابل، اگر رفتار جامعه پذیرنده نسبت به مهاجران خود خصمانه باشد، تحرک و دسترسی به نهادهای اصلی را مسدود می‌کند.

۴. روش پژوهش

در این پژوهش، جهت دستیابی به پاسخ مسئله و اهداف پژوهش از روش کیفی استفاده شده است. روش کیفی، روشی استفهامی است که از اطلاعات مرتبط با افراد مرتبط با موضوع ساخته می‌شود که بستگی به آن موقعیت یا زمینه‌ای دارد که مشارکت‌کنندگان در آن زندگی می‌کنند. در این روش، مفهوم‌سازی و عملیاتی کردن داده‌ها همزمان با گردآوری داده و تحلیل اولیه داده‌ها انجام می‌شود. (قادرزاده و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۷). انجام یک روش کیفی مناسب مستلزم داده‌های متنی مصاحبه‌ای عمیق است. لذا در تحقیق حاضر جهت گردآوری داده از تکنیک مصاحبه عمیق استفاده شد. مشارکت‌کنندگان در این تحقیق، مهاجران داخلی شهر مشهد هستند. روش نمونه‌گیری برای انتخاب افراد هدفمند و برای گردآوری داده‌ها از نمونه‌گیری نظری استفاده شده است. جهت تعیین حجم نمونه از معیار اشباع نظری استفاده گردید. اشباع نظری^۱ به این معنا است که در فرایند گردآوری داده‌ها هیچ داده جدیدی پیدا نشده است که محقق به وسیله آن بتواند ویژگی مقوله را گسترش دهد (نوغانی و محمدی، ۱۳۹۵: ۱۷۰). در تحقیق حاضر بعد از انجام ۲۸ مصاحبه اشباع نظری حاصل گردید. مطابق نتایج جدول ۱ می‌توان بیان کرد که ۱۳ نفر از آنها مرد و ۱۵ نفر زن می‌باشند. تحصیلات بیشتر این افراد در سطح دیپلم و زیر دیپلم است. تحصیلات بالای دیپلم هم در برخی از مشارکت‌کنندگان مشاهده شد. هر چند بازه سنی ۱۸ سال تا ۶۵ سال می‌باشد. شغل بیشتر این مشارکت‌کنندگان کارگری فصلی یا ساختمانی است.

جدول ۱- ویژگی‌های مشارکت‌کنندگان در پژوهش

مأخذ: یافته‌های پژوهش

ردیف	اسم ^۱	سن	تحصیلات	شغل	ردیف	اسم	سن	تحصیلات	شغل
۱	مهران	۲۷	کارشناسی	مهندس ساختمان	۱۵	غلام	۶۵	بیسواد	کارگر فصلی
۲	کامران	۳۵	ارشد	مهندس فضای سبز	۱۶	آسیه	۳۶	دیپلم	خانه دار
۳	حامد	۳۴	کارشناسی	کارگر کارخانه	۱۷	فرشته	۶۵	کارشناسی	کارمند
۴	علی	۲۸	کارشناسی	کابینت‌کار	۱۸	مریم	۳۵	ابتدایی	خانه دار
۵	مجید	۴۳	ابتدایی	کارگر ساختمانی	۱۹	سحر	۱۸	سیکل	خانه دار
۶	عاطفه	۲۱	ابتدایی	خانه‌دار	۲۰	طیبه	۴۶	ابتدایی	کار خانگی
۷	سمیرا	۳۷	سیکل	خانه‌دار	۲۱	مهری	۳۸	دیپلم	خادم حرم
۸	سعید	۳۳	کارشناسی	کارگر کارخانه	۲۲	مسعود	۲۶	ارشد	مهندس ساختمان
۹	رحیمه	۳۲	ابتدایی	خانه‌دار	۲۳	رضا	۴۱	سیکل	دستفروش
۱۰	زهرا	۳۹	دیپلم	بیکار	۲۴	فرهاد	۵۶	کارشناسی	تاسیسات ساختمان
۱۱	زهرا	۴۶	ابتدایی	نظافتچی	۲۵	زهرا	۳۲	سیکل	خانه دار
۱۲	محمد	۴۰	ابتدایی	بازاری	۲۶	مریم	۲۵	سیکل	انگشترساز
۱۳	راضیه	۴۸	دیپلم	خانه‌دار	۲۷	حسین	۳۱	کارشناسی	کارگر ساختمانی
۱۴	سارا	۴۹	دیپلم	بازنشسته	۲۸	صمد	۴۴	سیکل	کارگر فصلی

برای تحلیل داده‌ها، از نظریه زمینه‌ای و فرایند کدگذاری داده‌ها مطابق الگوی پیشنهادی اشتروس و کوربین (۱۳۹۱) بهره گرفته شد. این الگو شامل سه مرحله کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری انتخابی است. برای قابلیت اعتماد در این تحقیق از تکنیک‌هایی استفاده شد. قابلیت اعتماد، به بیانی ساده میزانی است که در آن می‌تواند به یافته‌های یک پژوهش کیفی متکی بود و به نتایج آن اعتماد کرد (محمدپور، ۱۳۸۸: ۴۷). برای بررسی قابلیت اعتماد در این

۱. به دلیل رعایت گمنامی، از اسامی مستعار استفاده شده است.

تحقیق از معیار اطمینان‌پذیری^۱ استفاده شد. این معیار به درجه بازیافت و تکرارپذیری داده‌ها توسط سایر پژوهشگران اطلاق می‌شود. در این تحقیق برای دستیابی به اطمینان‌پذیری از یک مصاحبه‌گر کمکی برای جمع‌آوری، تفسیر و مقایسه داده‌های مصاحبه استفاده شد. همچنین همه مراحل جمع‌آوری، کدگذاری و تفسیر داده‌ها از قبل مشخص گردید تا مصاحبه‌گران یک رویه مشخص و منسجم را طی نمایند.

۵. یافته‌های پژوهش

منظور از زمینه و بسترها مجموعه‌ای از شرایطی است که منجر به بروز، تقویت یا تضعیف پدیده‌ای می‌شود. منظور از این مفاهیم در تحقیق حاضر این است که چه شرایطی منجر به بروز ادغام اجتماعی مطلوب می‌شوند و همچنین چه شرایطی بر بروز این پدیده تأثیر می‌گذارند و آن را تقویت می‌کنند. مطابق نتایج تحقیق، یک مضمون اصلی و ۷ مضمون فرعی برای شناخت شرایط و بسترهای شکل‌گیری ادغام اجتماعی مطلوب شناسایی شدند تا بازسازی معنایی آن در ذهن مشارکت‌کنندگان مشخص شوند. این ۷ مضمون فرعی مرتبط با زمینه و بستر در سه دسته کلی دسته‌بندی شد. اشترواس و کوربین شرایط را به سه دسته علی، مداخله‌گر و زمینه‌ای تقسیم نموده‌اند. شرایط علی آن دسته رویدادها و وقایع‌اند که بر پدیده‌ها اثر می‌گذارند یا منجر به وقوع یا توسعه یک پدیده می‌شوند. شرایط مداخله‌گر شرایط عام و وسیعی هستند که شرایط علی را تخفیف یا به نحوی تغییر می‌دهند. یعنی اثر یک یا چند عامل را فعال‌تر، کندتر، شدیدتر یا ضعیف‌تر می‌کنند. شرایط زمینه‌ای مجموعه خاصی از شرایط هستند که در یک زمان و مکان خاص جمع می‌آیند تا مجموعه اوضاع و احوال یا مسائلی را به وجود آورند که اشخاص با عمل/تعامل‌های خود به آنها پاسخ دهند. شرایط زمینه‌ای ریشه در شرایط علی و مداخله‌گر دارند و محصول چگونگی تلاقی آنها با یکدیگر برای شکل دادن به الگوهای مختلف با ابعاد گوناگون‌اند (اشتروس و کوربین، ۱۳۹۱: ۱۵۳-۱۵۵).

جدول ۲- شرایط بروز ادغام اجتماعی مطلوب

مأخذ: یافته‌های پژوهش

مضمون اصلی	دسته‌های مضامین فرعی	مضامین فرعی	مضامین پایه	مفاهیم	فراوانی
ادغام اجتماعی مطلوب	شرایط زمینه‌ای	فرصت‌های ساختاری مقصد	فضای مذهبی دلخواه	عالی بودن تجربه ارتباط با خادمان امام رضا، احساس مذهبی خوب و شیرین، علاقه به فضای مذهبی مشهد	۹
			دسترسی به امکانات تفریحی	سرگرمی بیشتر در مشهد، امکانات رفاهی و تفریحی خوب مشهد، تفریحات بیشتر مشهد، شلوغ‌تر بودن شب‌های مشهد	۶
			امکانات مناسب آموزشی	تحصیل بهتر بچه‌ها در مشهد، راحت بودن با وضعیت آموزشی مشهد	۳
	شرایط علی	نبود نگاه تبعیض‌آمیز	-	عدم احساس تبعیض‌آمیز در مشهد، علاقه مشهدی‌ها به مهاجران	۱۵
			احساس راحتی و رضایت	علاقه به زندگی در مشهد، رضایت از زندگی در مشهد، احساس راحتی در مشهد، نداشتن حس منفی و احساس غربت	۱۲
		تسهیل شرایط زندگی در مقصد	ارزش‌های اخلاقی مطلوب مشهد	خوب بودن فرهنگ مشهدی‌های اصیل، مذهبی‌تر بودن مشهدی‌ها نسبت به مبدأ	۲
			-	گمنامی بیشتر در مشهد، خوب بودن گمنامی در مشهد، علاقه	۸

مضمون اصلی	دسته‌های مضامین فرعی	مضامین فرعی	مضامین پایه	مفاهیم	فراوانی
				به تنهایی مهاجرت، گمنامی و راحتی در مشهد	
		احساس استقلال	-	راحتی زندگی زناشویی به خاطر دوری از خانواده شوهر، حس استقلال بعد مهاجرت	۴
		دسترسی به مشارکت در جامعه مقصد	شبکه روابط مؤثر	پذیرش من توسط همکاران، محیط کاری مناسب در مشهد، تجربه مثبت اولین آشنای مشهدی	۳
	شرایط مداخله‌گر	چالش‌های ساختاری مبدأ	ارزش‌های اخلاقی نامطلوب مبدأ	فرهنگ دورویی مبدأ، فرهنگ نامناسب و تفاخر در مبدأ، بی‌اخلاقی در محیط کار مبدأ، عدم فرهنگ استفاده از وسایل مدرن خانگی در مبدأ، دروغ‌گویی مبدأ، پشت سر هم حرف زدن در مبدأ، سرک کشیدن در زندگی مبدأ، فضولی در مبدأ، حسادت در مبدأ	۱۳
				اختلافات قبیله‌ای در مبدأ، تعصب قومی در مبدأ، فضای بسته مبدأ، فرهنگ طایفه‌ای مبدأ، طایفه‌ای بودن در مبدأ، فرهنگ سنتی و متعصب مبدأ	۹
			تبعیض‌های جنسیتی در مبدأ	ازدواج در سن کم، ازدواج به خاطر مسائل فرهنگی شهر کوچک، ازدواج زود و بدون	۹

مضمون اصلی	دسته های مضامین فرعی	مضامین فرعی	مضامین پایه	مفاهیم	فراوانی
				رضایت، مخالفت خانواده با درس خواندن، مخالفت خانواده شوهر با دانشگاه رفتن	

۵. ۱. مضامین مرتبط با شرایط زمینه‌ای

با توجه به تعریف شرایط زمینه‌ای، مضمون فرعی ساختاری مقصد (با مضامین فضای مذهبی دلخواه، دسترسی به امکانات تفریحی، امکانات مناسب آموزشی) در این دسته قرار گرفتند که در ادامه بیشتر توضیح داده می‌شوند. در رویکرد پارسونز (به نقل از اولایا، ۲۰۲۰) ادغام در یک نظام به هماهنگی روابط در میان بخش‌ها نیاز دارد. تأمین شغل، آموزش و حمایت اجتماعی از مهاجران از جمله عوامل ضروری برای ماندگاری و ثبات ادغام است. ادغام مهاجران به این روش برای تقویت امنیت و نظم اجتماعی و پیشگیری از جرم برای جرائمی که در غیر این صورت ممکن است توسط مهاجران انجام شود، لازم است. در همین راستا جامعه مشهد فرصت‌های ساختاری برای ادغام بیشتر مهاجران فراهم می‌نماید که در ادامه به آن بیشتر پرداخته می‌شود.

۵. ۱. ۱. فضای مذهبی دلخواه

مشارکت‌کنندگان در تحقیق هم فضای مذهبی دلخواه را به عنوان یکی از شرایط بروز ادغام اجتماعی مطلوب در نظر می‌گیرند. مفاهیم تشکیل‌دهنده مضمون پایه فضای مذهبی دلخواه شامل عالی بودن تجربه ارتباط با خادمان امام رضا (ع)، احساس مذهبی خوب و شیرین، علاقه به فضای مذهبی مشهد می‌باشد. در ادامه برخی از موارد اشاره شده در مصاحبه‌ها، مرور می‌گردند:

خیلی خوب بود برام چون امام رضا بود دیگه خوب بود برام، الان دوست دارم همیشه توی مشهد بمونم و دوست ندارم شهر خودمون یه روزی برای زندگی برگردم، اگه شرایط ایجاب کنه و مجبور نشم نمینحوام برم و دوست دارم مشهد بمونم (راضیه، ۴۸ ساله، خانه‌دار).

مثلاً چون مشهد بزرگه و جاهای دیدنی زیادی داره، بعداً خود من میگم شاید تهرانم خوب باشه ولی جایی که امام رضا هست، اونجا رو بیشتر خوشم میاد، همین که امام رضا هست و میرم حرمش و فکر می‌کنم احساسات من همونجا بهتره. (سحر، ۱۸ ساله، خانه‌دار)

۵. ۱. ۲. دسترسی به امکانات تفریحی

مشارکت‌کنندگان در تحقیق هم دسترسی به امکانات تفریحی را به‌عنوان یکی از شرایط بروز ادغام اجتماعی مطلوب در نظر می‌گیرند. مفاهیم تشکیل دهنده مضمون پایه دسترسی به امکانات تفریحی شامل سرگرمی بیشتر در مشهد، امکانات رفاهی و تفریحی خوب مشهد، تفریحات بیشتر مشهد، شلوغ‌تر بودن شب‌های مشهد است. در ادامه برخی از موارد اشاره شده در مصاحبه‌ها، مرور می‌گردند:

با توجه به اینکه اونجا خواهر و برادرهاش اونجان ولی میگه دلم توی یزد میگیره، مردمش خیلی دنبال کارن، مثل مشهد خیلی دنبال یه تعطیلی هستن که برن گردش، اونجا میگن دل‌مرده هستن ولی نه اونجا تفریحشون سر جایه خودشونه، زندگی خوبی دارن، روی برنامه کار می‌کنن، مخصوصاً زمستون یزد یکم دلگیره چون از صبح تا شب مردم می‌روند سر کار و شب هم میان توی خونه‌هاشون. (سارا، ۴۹ ساله، بازنشسته).

۵. ۱. ۳. امکانات مناسب آموزشی

مشارکت‌کنندگان در تحقیق هم امکانات مناسب آموزشی را به‌عنوان یکی از شرایط بروز ادغام اجتماعی مطلوب در نظر می‌گیرند. مفاهیم تشکیل دهنده مضمون پایه امکانات مناسب آموزشی شامل تحصیل بهتر بچه‌ها و راحت بودن با وضعیت آموزشی مشهد می‌باشد. در ادامه برخی از موارد اشاره شده در مصاحبه‌ها، مرور می‌گردند:

اینجا امکانات آموزشی و مدارسش خوبه. الانم که دخترم خدا رو شکر مدرسه میره و از مدرسه‌اش و نحوه درس‌دانشون راضی هستیم. کلاً الان تو مشهد احساس خوبی داریم. (زهرا، ۴۶ ساله، نظام‌تچی).

۵.۲. مضامین مرتبط با شرایط علی

با توجه به تعریف شرایط علی، مضامین نبود نگاه تبعیض آمیز، تسهیل شرایط زندگی در مشهد، گمنامی، احساس استقلال و دسترسی به مشارکت در جامعه مشهد در این دسته قرار گرفتند که در ادامه بیشتر توضیح داده می شوند:

۵.۲.۱. نبود نگاه تبعیض آمیز

مرحله پنجم ایده چرخه رابطه نژادی از بوگاردوس (۱۹۳۰) مربوط به گرایش های مساوات طلبانه است که در این مرحله سیاستمداران و مسئولان جامعه میزبان با حرکات مقابله ای خودجوش نگاه های تبعیض آمیز را کم می کنند. نتایج تحقیق فیلیمنو (۲۰۱۹) و آلارین و نیورایتا (۲۰۱۹) عدم وجود تبعیض و تنوع فرهنگی در جامعه میزبان باعث فراهم شدن شرایط ادغام اجتماعی می شود. مشارکت کنندگان در تحقیق هم نبود نگاه تبعیض آمیز را به عنوان یکی از شرایط بروز ادغام اجتماعی مطلوب در نظر می گیرند. مفاهیم تشکیل دهنده مضمون نبود نگاه تبعیض آمیز شامل عدم احساس تبعیض آمیز در مشهد، علاقه مشهدی ها به مهاجران می باشد. در ادامه برخی از موارد اشاره شده در مصاحبه ها، مرور می گردند:

برخورد خاصی نبود ابتدا که داخل دانشگاه و خوابگاه بودم مشکلی نداشتم بعدشم میخواستم پیام و برم مسیرم نزدیک بود ولی خب چون فاصله شهرمون کمه و قبلاً برای زیارت میومدیم مشهد طبیعی بود و برخورد خاصی نبود بیشتر کسانی که غریبه ترند و از شهرهای دورتر میامدنند و لهجه دارند و یا اصالتاً خراسانی نیستند شاید برخورد با اونها یکم خاص باشه. ولی من چیز خاصی ندیدم. (مسعود، ۲۶ ساله، مهندس)

۵.۲.۲. تسهیل شرایط زندگی در مقصد

از نظر هابرماس (۲۰۱۰) تسهیل و دسترسی عمومی به فرصت ها و حذف امتیازات از طریق تعاملات اجتماعی و مشارکت نامحدود گروه های مختلف می تواند شرایط را برای ادغام مهاجران فراهم نماید. مشارکت کنندگان در تحقیق هم تسهیل شرایط زندگی در مشهد را به عنوان یکی از شرایط بروز ادغام اجتماعی مطلوب در نظر می گیرند. مضامین تشکیل دهنده مضمون فرعی

تسهیل شرایط زندگی در مشهد شامل احساس راحتی و رضایت (با مفاهیم علاقه به زندگی در مشهد، رضایت از زندگی در مشهد، احساس راحتی در مشهد، نداشتن حس منفی و احساس غربت) و ارزش‌های اخلاقی مطلوب مشهد (با مفاهیم خوب بودن فرهنگ مشهدی‌های اصیل، مذهبی‌تر بودن مشهدی‌ها نسبت به مبدأ) می‌باشد. در ادامه برخی از موارد اشاره شده در مصاحبه‌ها، مرور می‌گردند:

اینجا راحتم از لحاظ جایی بخوام برم، مروده با همه داشته باشم، با همه راحتم اینکه کسی رو برای خودم دوست پیدا کنم و باهاش راحت در ارتباط باشم، کاری رو بخوام برای آینده بچه‌هام دنبالش کنم چون محیطش بزرگ‌تره و راحت‌تر باهاش کنار میام تا شهر و منطقه کوچیک (راضیه، ۴۸ ساله، خانه‌دار).

۵. ۲. ۳. گمنامی

این مضمون به ایده غربیه زیمیل (۱۹۵۰، ۱۹۰۸) شبیه است. غربیه فاقد وابستگی قومی، نژادی، گروهی و حزبی است، تلفیقی از تعهد (به عنوان مثال شغلی) و عدم تقید (مثلاً هویتی) است. اتصال و پیوند غربیه با اعضای دیگر جامعه به نسبت خصائص عام مثل انسان بودن یا شاغل بودن است، از این روی در ملیت، شغل و پایگاه اجتماعی اقتصادی با او شباهت داریم اما مجموعاً وجوه اشتراکی میان وی و جامعه کمرنگ است. مشارکت کنندگان در تحقیق هم گمنامی را به عنوان یکی از شرایط بروز ادغام اجتماعی مطلوب در نظر می‌گیرند. مفاهیم تشکیل دهنده مضمون گمنامی شامل گمنامی بیشتر در مشهد، خوب بودن گمنامی در مشهد، علاقه به تنهایی مهاجرت، گمنامی و راحتی در مشهد می‌باشد. در ادامه برخی از موارد اشاره شده در مصاحبه‌ها، مرور می‌گردند:

مثلاً مردم روستا به خاطر مکان کوچیکی که هستش و زیاد با همدیگه هستن زیاد به هم دخالت می‌کنند ولی توی شهر مشهد با یه غربیه که سرکار میزنی خدا رو شکر خوبه، من که احساس میکنم مشهد بهتره. (مریم، ۳۵ ساله، خانه‌دار).

۵.۲.۴. احساس استقلال

مشارکت‌کنندگان در تحقیق احساس استقلال را به‌عنوان یکی از شرایط بروز ادغام اجتماعی مطلوب در نظر می‌گیرند. مفاهیم تشکیل‌دهندهٔ مضمون احساس استقلال شامل راحتی زندگی زناشویی به‌خاطر دوری از خانوادهٔ شوهر و حس استقلال بعد مهاجرت می‌باشد. در ادامه برخی از موارد اشاره شده در مصاحبه‌ها، مرور می‌گردند:

مشهد خیلی خوبه؛ از هر لحاظی فکر کنی مثلاً از زمانی که اوادم میفهمم زندگی الان یعنی چی، زندگی منو نگاه کنی خیلی ساده ست با کوچکتین و ابتدایی‌ترین وسایل دارم زندگی میکنم ولی وقتم خوش و همین خوشی برام بهتره، میگم هیچی نداشته باشم بخورم ولی خوش باشم مثلاً فرشی نباشه ولی چون با شوهرم خوشم خیلی خوشحالم (عاطفه، ۲۱ ساله، خانه‌دار).

۵.۲.۵. دسترسی به مشارکت در جامعهٔ مشهد

در سطح زمینه‌ای نظریهٔ ادغام اسر (۲۰۰۸)، فرصت‌ها و محدودیت‌ها از عوامل اساسی هستند، زیرا آنها ساختار زیربنای کنش فردی را تشکیل می‌دهند. برای مثال، اگر جامعهٔ پذیرنده باز باشد و اجازهٔ تحرک اقتصادی- اجتماعی را بدهد، این امر می‌تواند استراتژی‌های همگون‌سازی را مفید تشخیص دهد. مشارکت‌کنندگان در تحقیق هم دسترسی به مشارکت در جامعهٔ مشهد را به‌عنوان یکی از شرایط بروز ادغام اقتصادی نامطلوب در نظر می‌گیرند. مضامین تشکیل‌دهندهٔ مضمون فرعی دسترسی به مشارکت در جامعهٔ مشهد شامل شبکهٔ روابط مؤثر (با مفاهیم پذیرش من توسط همکاران، محیط کاری مناسب در مشهد، تجربهٔ مثبت اولین آشنای مشهدی) می‌باشد. در ادامه برخی از موارد اشاره شده در مصاحبه‌ها، مرور می‌گردند:

من توی قدم اول کسانی رو که دیدم ۱۴-۱۵ سال سابقهٔ کاری دارن جووری با من برخورد کردن که انگار منم با اونا همچین سابقهٔ کاری دارم، منو به راحتی اونجا پذیرفتند و همین باعث شد احساس خوبی پیدا کنم و دلگرم بشم چون روزای اول توی اون محیط با قشر کارگر اونجا توی انبار میرفتم و میومدم کاملاً بچه‌های خونگرم و خوبی بودن. (سعید، ۳۳ ساله، کارگر کارخانه).

۵.۳. مضامین مرتبط با شرایط مداخله‌گر

لی (۱۹۶۶) در قالب نظریه دافعه و جاذبه بر عدم تعادل فرهنگی-اجتماعی بین جامعه فرستنده و پذیرنده مهاجرت تأکید می‌کند و بر این نظر است که وضعیت نامطلوب اجتماعی و فرهنگی در جامعه فرستنده از یک سو و وضعیت مطلوب اجتماعی و فرهنگی در جامعه پذیرنده از سوی دیگر سبب می‌شود که جریان مهاجرت از مبدأ به مقصد شکل گیرد و تا زمانی که این عدم تعادل برطرف نشود روند مهاجرت ادامه خواهد داشت. نتایج تحقیقات مختلفی مثل فایست^۱ (۲۰۰۰) نشان می‌دهد که دافعه مبدأ انگیزه مهاجران را برای عملکرد موفق اقتصادی و اجتماعی افزایش می‌دهد. با توجه به تعریف شرایط مداخله‌گر، مضمون فرعی چالش‌های ساختاری مبدأ (با مضامین ارزش‌های اخلاقی نامطلوب مبدأ، تعصبات قومی-مذهبی مبدأ و تبعیض‌های جنسیتی در مبدأ) در این دسته قرار گرفتند که در ادامه بیشتر توضیح داده می‌شوند:

۵.۳.۱. ارزش‌های اخلاقی نامطلوب مبدأ

مشارکت‌کنندگان در تحقیق هم ارزش‌های اخلاقی نامطلوب مبدأ را به عنوان یکی از شرایط بروز ادغام اجتماعی مطلوب در نظر می‌گیرند. مفاهیم تشکیل دهنده مضمون پایه ارزش‌های اخلاقی نامطلوب مبدأ شامل فرهنگ دورویی مبدأ، فرهنگ نامناسب و تفاخر در مبدأ، بی‌اخلاقی در محیط کار مبدأ، عدم فرهنگ استفاده از وسایل مدرن خانگی در مبدأ، دروغ‌گویی مبدأ، پشت سر هم حرف زدن مبدأ، سرک کشیدن در زندگی مبدأ، فضولی در مبدأ و حسادت در مبدأ می‌باشد. در ادامه برخی از موارد اشاره شده در مصاحبه‌ها، مرور می‌گردند:

مادر من ماشین لباسشویی اتومات داشت برای همون من گفتم اگر ازدواج کنم ماشین لباسشویی اتومات می‌خوام، ولی مادر شوهرم می‌گفت چه لزومی داره، چون نمی‌دونستند که کارایش چیه، برداشت گفتم اصلاً چی هست و من گفتم من می‌خواهم و گفتم فلان یخچال رو می‌خوام و اجبار کردم و شوهرم خودش برام گرفت و خانوادش هم کمک نکردند (سحر، ۱۸ ساله، خانه‌دار).

۵.۳.۲. تعصبات قومی-مذهبی مبدأ

مشارکت‌کنندگان در تحقیق هم تعصبات قومی-مذهبی مبدأ را به‌عنوان یکی از شرایط بروز ادغام اجتماعی مطلوب در نظر می‌گیرند. مفاهیم تشکیل‌دهنده مضمون پایه تعصبات قومی-مذهبی مبدأ شامل اختلافات قبیله‌ای در مبدأ، تعصب قومی در مبدأ، فضای بسته مبدأ، فرهنگ طایفه‌ای مبدأ، طایفه‌ای بودن در مبدأ و فرهنگ سنتی و متعصب مبدأ می‌باشد. در ادامه برخی از موارد اشاره شده در مصاحبه‌ها، مرور می‌گردند:

کرمانشاه یه شهر نسبتاً کوچیک با مردمانی خیلی جالب، مهربان، خون‌گرم و آرامی هستن ولی متأسفانه یه سری عقاید سفت و سختی دارن، خودتون میدونید که کردها چه جوریند، عقاید سفت و سخت و سنتی دارن. (مهران، ۲۷ ساله، مهندس).

۵.۳.۳. تبعیض‌های جنسیتی در مبدأ

مشارکت‌کنندگان در تحقیق هم تبعیض‌های جنسیتی در مبدأ را به‌عنوان یکی از شرایط بروز ادغام اجتماعی مطلوب در نظر می‌گیرند. مفاهیم تشکیل‌دهنده مضمون پایه تبعیض‌های جنسیتی در مبدأ شامل ازدواج در سن کم، ازدواج به‌خاطر مسائل فرهنگی شهر کوچک، ازدواج زود و بدون رضایت، مخالفت خانواده با درس خواندن و مخالفت خانواده شوهر با دانشگاه رفتن می‌باشد. در ادامه برخی از موارد اشاره شده در مصاحبه‌ها، مرور می‌گردند:

مادرم اجازه نداد درس بخونم و گفت بسه دیگه دختر تا پنج سال بخوندن کافیه ولی دل من خیلی می‌خواست ولی گفت کافیه دیگه تا این اندازه که خوندی دیگه درس رو ادامه ندی. (رحیمه، ۳۲ ساله، خانه‌دار).

۵.۴. مضامین مرتبط با راهبردهای ادغام‌آفرین

راهبردها و استراتژی‌ها بیانگر آن دسته از کنش‌ها و واکنش‌هایی است که کنشگران در قبال شرایط یا بروز پدیده‌ای جدید از خود نشان می‌دهند. همچنین به چگونگی برخورد کنشگر با پدیده هم اشاره می‌شود. مطابق نتایج تحقیق، یک مضمون اصلی و ۴ مضمون فرعی برای شناخت چگونگی مواجهه مهاجران با پدیده ادغام‌شناسایی شدند. منظور از راهبردهای ادغام‌آفرین،

تلاش‌ها و اقداماتی است که مهاجران برای ادغام بیشتر با شهر مشهد انجام می‌دهند. مضمون اصلی راهبردهای ادغام‌آفرین شامل مضامین فرعی مثل شبکه‌سازی، سازگاری مطلوب اجتماعی، مهارت‌های روان‌شناختی رشد‌محور و حمایت محوری می‌باشد که در ادامه بیشتر توضیح داده می‌شوند:

جدول ۳- راهبردها و استراتژی‌های ادغام مهاجران

مأخذ: یافته‌های پژوهش

مضمون اصلی	مضامین فرعی	مضامین پایه	مفاهیم	تعداد
راهبردهای ادغام‌آفرین	شبکه‌سازی	بسط تعاملات اجتماعی	شرکت در مراسمات مذهبی و دوست‌یابی، شرکت در فعالیت‌های بسیج، برقراری ارتباط اجتماعی، گسترش دایره ارتباطی، تلاش برای شروع رابطه، علاقه به کارهای جمعی، پیش قدم برای برقراری ارتباط	۱۳
	سازگاری مطلوب اجتماعی	خلقیات اجتماعی مطلوب	صبر و تلاش، منعطف بودن، گذر از سختی‌ها با صبر، تلاش برای انطباق، همراهی با همسر، تحمل و انعطاف‌پذیری	۱۰
		عام‌گرایی	عدم استفاده از رانت و پارتی بازی، عدم رفیق بازی	۳
	مهارت‌های روانشناختی رشد‌محور	مهارت‌های مدیریت هیجان	مدیریت هیجان در مشکلات، دعا خواندن برای مقابله با مشکلات پیش رو، داشتن مهارت مدیریت خود و هیجان، تحمل سختی با عشق به امام رضا	۵
		روحیه پیشرفت طلبی	کنج‌کاو بودن، افزایش ظرفیت در ابتدای مهاجرت، بی‌اهمیتی حرف مردم، فکر به اهداف برای غلبه بر مشکلات	۴
	حمایت محوری	حمایت غیررسمی	مهاجرت والدین و ثبات در محل زندگی، مهاجرت خانواده بعد از من	۲

۵. ۴. ۱. شبکه سازی

گاریپ (۲۰۰۸) در قالب نظریه شبکه اجتماعی بیان می کند که ارتباط با شبکه های مهاجران در کشور مقصد منبع اصلی اطلاعات مربوط یا کمک مستقیم به مهاجران تلقی می شود. چندین مطالعه اثرات مثبت شبکه های اجتماعی را بر پیشرفت اقتصادی و اجتماعی مهاجران (داتسمن^۱، ۲۰۱۶؛ سندرز^۲ و همکاران، ۲۰۰۲) نشان داده است. مشارکت کنندگان در تحقیق هم مضمون شبکه سازی را به عنوان یکی از راهبردهای شکل دهنده ادغام در نظر می گیرند. مضمون تشکیل دهنده مضمون فرعی راهبردهای مبتنی بر شبکه سازی شامل بسط تعاملات اجتماعی (با مفاهیم شرکت در مراسمات مذهبی و دوست یابی، شرکت در فعالیت های بسیج، برقراری ارتباط اجتماعی، گسترش دایره ارتباطی، تلاش برای شروع رابطه، علاقه به کارهای جمعی، پیش قدم شدن برای برقراری ارتباط) است. در ادامه برخی از موارد اشاره شده در مصاحبه ها، مرور می گردند:

دوست یابی من درین حد بود که مستأجر بودیم با همسایه یک برخورد هایی که داشتیم، از هم که جدا میشدیم دیگه ول کن هم نبودیم و سراغ هم رو می گرفتیم و می گفتیم با هم ارتباط برقرار کنیم یا جاهای مذهبی برای تشکیل هیئت مثلاً مکتب خونه آقا ابوالفضل داشتیم اونجا میرفتیم یا مراسم هایی که برگزار می کردیم باعث میشد اونجا چند تا دوست پیدا کنیم. کلاً من خیلی خودجوش وزود جوشم دوست دارم با همه مراوده داشته باشم، خشک و منزوی نیستم و دوست دارم با بقیه بیشتر ارتباط برقرار کنم تا تنهایی. (راضیه، ۴۸ ساله، خانه دار).

۵. ۴. ۲. سازگاری مطلوب اجتماعی

1. Dustmann

2. Sanders

مشارکت‌کنندگان در تحقیق هم مضمون سازگاری مطلوب اجتماعی را به‌عنوان یکی از راهبردهای شکل‌دهنده ادغام در نظر می‌گیرند. مضمون تشکیل‌دهنده مضمون فرعی سازگاری مطلوب اجتماعی شامل خلیات اجتماعی مطلوب (با مفاهیم صبر و تلاش، منعطف بودن، گذر از سختی‌ها با صبر، تلاش برای انطباق، همراهی با همسر، تحمل و انعطاف‌پذیری) و عام‌گرایی (با مفاهیم عدم استفاده از رانت و پارتی‌بازی، عدم رقیق‌بازی) است. در ادامه برخی از موارد اشاره شده در مصاحبه‌ها، مرور می‌گردند:

من آدمی هستم که خودم خیلی زود ادایته میشم با محیط، دانشگاه، محیط کار با دوستان شاید یه این خاطر که از هیجده سالگی هم خودم دانشجو بودم و هم تدریس می‌کردم. من استخدام که شدم مرکز تربیت مربی کودک، بهداشت و تغذیه تدریس می‌کردم به دانشجوها، همیشه با تیپ جوون بودم شاید به این خاطر خیلی با جوون‌ها راحت‌تر، من خیلی مشکل از نظر محیط کار و اینا نداشتم. (فرشته، ۶۵ ساله، کارمند).

۵. ۴. ۳. حمایت‌محوری

پورتز و همکاران (۲۰۰۵) در قالب نظریه یکی‌سازی چندپاره بیان می‌کنند که وجود خانواده و حمایت آنها و ترکیب‌های ممکن فرهنگ‌پذیری والدین و فرهنگ‌پذیری فرزندان در مهاجران شرایط ادغام را تسهیل می‌کند. آلارین و نیورایتا (۲۰۱۹) هم نشان می‌دهد وجود حمایت رسمی و غیررسمی بر ادغام مهاجران تأثیر مثبت می‌گذارد. مشارکت‌کنندگان در تحقیق هم مضمون راهبردهای حمایت‌محور را به‌عنوان یکی از راهبردهای شکل‌دهنده ادغام در نظر می‌گیرند. مضمون تشکیل‌دهنده مضمون فرعی راهبردهای حمایت‌محور شامل حمایت غیررسمی (با مفاهیم مهاجرت والدین و ثبات در محل زندگی، مهاجرت خانواده بعد از من) می‌باشد. در ادامه برخی از موارد اشاره شده در مصاحبه‌ها، مرور می‌گردند:

قبل از اینکه من مشهد بیام، داداشم مشهد بودن و من به واسطه و پشتوانه داداشم مشهد اومدم و بعدش پدرم اومدم (مهران، ۲۷ ساله، مهندس).

۵. ۴. ۴. مهارت‌های روان‌شناختی رشد‌محور

مشارکت کنندگان در تحقیق هم مضمون مهارت‌های روان‌شناختی رشد‌محور را به عنوان یکی از راهبردهای شکل‌دهنده ادغام در نظر می‌گیرند. مضمون تشکیل‌دهنده مضمون فرعی مهارت‌های روان‌شناختی رشد‌محور شامل مهارت‌های مدیریت هیجان (با مفاهیم مدیریت هیجان در مشکلات، دعا خواندن برای مقابله با مشکلات پیش رو، داشتن مهارت مدیریت خود و هیجان، تحمل سختی با عشق به امام رضا) و روحیه پیشرفت‌طلبی (با مفاهیم کنجکاوی بودن، افزایش ظرفیت در ابتدای مهاجرت، بی‌اهمیتی حرف مردم، فکر به اهداف برای غلبه بر مشکلات) است. در ادامه برخی از موارد اشاره شده در مصاحبه‌ها، مرور می‌گردند:

خیلی سختی کشیدم و با اینجا اونجا راحت بودم و خونه و زندگی داشتم و همه چی در رفاه و آرامش بود ولی همین که عشقم اینور بود فقط حرف اول رو عشق میزنه، عشق به امام رضا، تمام سختی‌ها رو واقعاً با دل و جون خریدم و هنوزم سختی دارم و زندگی بدون سختی نمیشه. (مهری، ۳۸ ساله، خادم حرم).

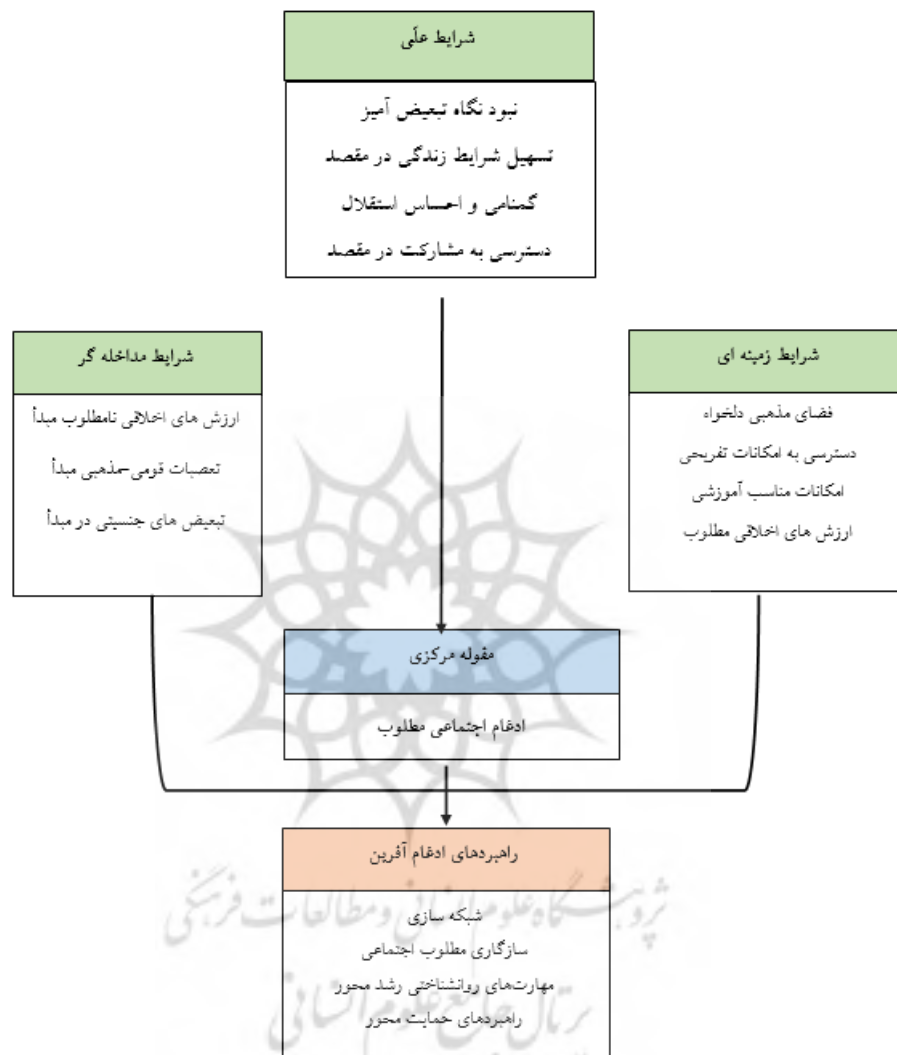
۶. نتیجه‌گیری

ادغام فرایندی با چشم‌انداز سیاست‌گذارانه برای گروه‌های جمعیتی و فرهنگی وارد به یک شهر میزبان است و عدم توجه به جنبه سیاست‌گذارانه در روبه‌رو شدن با ورود مهاجرین منجر به زوال تدریجی فیزیکی و فرهنگی شهر خواهد شد. هدف تحقیق حاضر، شناسایی شرایط و راهبردهای ادغام مهاجران در شهر مشهد می‌باشد. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که فضای مذهبی دلخواه، دسترسی به امکانات تفریحی، امکانات مناسب آموزشی، ارزش‌های اخلاقی مطلوب مشهد، احساس راحتی و رضایت، شبکه روابط مؤثر، ارزش‌های اخلاقی نامطلوب مبدأ، تعصبات قومی-مذهبی مبدأ، تبعیض‌های جنسیتی در مبدأ از جمله شرایط ادغام اجتماعی مطلوب به‌شمار می‌آید. همچنین شبکه‌سازی، توجه به سازگاری مطلوب اجتماعی، تقویت مهارت‌های روان‌شناختی رشد‌محور و جذب حمایت‌های رسمی و غیررسمی راهبردهای ادغام اجتماعی مناسب هستند.

درباره ادغام اجتماعی مطلوب باید گفت که مواردی مثل نبود نگاه تبعیض آمیز، تسهیل شرایط زندگی در مشهد، گمنامی و احساس استقلال و دسترسی به مشارکت در جامعه میزبان منجر به بهبود شرایط ادغام اجتماعی مطلوب می گردد. این شرایط براساس چند نظریه قابل تبیین است. نبود نگاه تبعیض آمیز به گرایش های مساوات طلبانه در نظریه روابط نژادی بوگاردوس (۱۹۳۰) مربوط است. هابرماس (۲۰۱۰) به تسهیل و دسترسی عمومی به فرصت ها برای مهاجران اشاره می کند. گمنامی و احساس استقلال را می توان به ایده غربیه زیمل (۱۹۰۸، ۱۹۵۰) مرتبط دانست و دسترسی به مشارکت در جامعه میزبان توسط نظریه ادغام اسر (۲۰۰۸) قابل توضیح است. به طور کلی این نظریات و نتایج تحقیق نشان می دهند که فضای اجتماعی و فرهنگی شهر مشهد جذابیت لازم را برای مشارکت و فعالیت مهاجران دارد و این جذابیت می تواند شرایط را برای ادغام اجتماعی فراهم نماید. این نتایج در راستای یافته های تحقیقات پیشین (هلبلینگ و همکاران، ۲۰۱۹؛ فیلمنو، ۲۰۱۹) است که نشان می دهد فراهم شدن برخی شرایط مثل عدم تبعیض، دسترسی برابر به منابع ارزشمند و امکان مشارکت برای مهاجران، روند ادغام اجتماعی آنها را تسهیل می نماید.

برخی خصوصیات مشهد مثل فضای مذهبی دلخواه، دسترسی به امکانات تفریحی، امکانات مناسب آموزشی و ارزش های اخلاقی مطلوب مشهد به عنوان شرایط زمینه ای در شهر مشهد وجود دارد و فرایند ادغام اجتماعی مهاجران را مهیاتر می نماید. نتایج تحقیق فاوده (۲۰۲۲) هم نشان می دهد که فلسطینیان به دلیل امکانات رفاهی و آموزشی مناسب در فرانسه احساس راحتی در آنجا دارند که این موضوع روند ادغام آنها را تسریع می کند. در این بین، خصوصیات نامناسب مبدأ مثل ارزش های اخلاقی نامطلوب، تعصبات قومی-مذهبی و تبعیض های جنسیتی باعث فاصله نگرشی در ارزش ها و هنجارهای فرهنگی مهاجران نسبت به مبدأ و نزدیکی نگرشی آنها به این ارزش ها و هنجارها در مشهد می شود. اوبرگ (۱۹۹۶) در قالب نظریه جاذبه و دافعه بیان می کند که برخی عوامل نرم مثل محرومیت اجتماعی، فرهنگی و رفاهی مبدأ یکی از عوامل مؤثر بر مهاجرت است. پرتی و همکاران (۲۰۰۶) مدعی هستند که امکانات آموزشی و رفاهی مقصد مهاجرت بر تصمیم افراد بر مهاجرت تأثیر می گذارد. نتایج این تحقیق هم حکایت از این دارد

که جاذبه‌های آموزشی، فرهنگی و رفاهی مشهد در کنار دافعه‌های فرهنگی و اخلاقی مبدأ باعث پیوند خوردن بیشتر مهاجران به مشهد و فضای اجتماعی و فرهنگی آن می‌شود. مشارکت‌کنندگان در تحقیق با به‌کارگیری اقداماتی مثل شبکه‌سازی، توجه به سازگاری مطلوب اجتماعی، تقویت مهارت‌های روان‌شناختی رشد‌محور و جذب حمایت‌های رسمی و غیررسمی در تلاش خواهند بود که به ادغام اجتماعی مطلوب برسند یا مطلوبیت این موقعیت را حفظ نمایند. محور اصلی راهبردهای ادغام‌آفرین مبتنی بر سرمایه اجتماعی است. در راستای نظریه سرمایه اجتماعی، لی (۲۰۰۴) مدعی است که سرمایه اجتماعی می‌تواند برای میزان سرمایه انسانی افراد و گروه‌ها مفید باشد. هو (۲۰۰۹) بیان می‌کند مهاجرانی که به شبکه‌سازی با افراد با قومیت‌های مشابه خود (شبکه‌سازی پیوندی) تأکید می‌کنند، در مقایسه با مهاجرانی که چنین تأکیدی ندارند (شبکه‌سازی پلی)، دارای تحصیلات، مهارت‌های زبانی و درآمدهای کمتری هستند. این نتایج نشان می‌دهد که افرادی که سرمایه انسانی کمتری دارند، تمایل به متکی شدن به سرمایه اجتماعی قومی برای فعالیت‌های اقتصادی خود دارند. آگیلرا (۲۰۰۲) نشان می‌دهد که سیاهپوستان، در مقایسه با افراد آمریکای لاتین و سفیدپوستان، بازده بالاتری را برای سرمایه اجتماعی دریافت می‌کنند. بنابراین پیش‌بینی می‌شود که افراد مهاجر با ارتقای سرمایه اجتماعی، بتوانند سرمایه انسانی و حمایت اجتماعی خود را ارتقا دهند و با این ابزارها، مهارت‌های روان‌شناختی (مثل مدیریت هیجان و انگیزه پیشرفت) در خود درونی می‌کنند و جامعه‌پذیری خود را به سمت مطلوبیت اجتماعی می‌برند.



شکل ۱- مدل پارادایمی ادغام اجتماعی مطلوب

مأخذ: یافته های پژوهش

۷. پیشنهادها

با توجه به نتایج تحقیق، در این قسمت پیشنهاداتی برای ارتقای ادغام اجتماعی ارائه می‌شود:

- کار جمعی مشترک برای نزدیکی مهاجران و شهروندان مشهد

ایجاد برنامه‌های کار جمعی که هم مهاجران و هم انجمن‌های داوطلبانه شهر مشهد را شامل می‌شود، باید مورد توجه قرار گیرد. این گونه برنامه‌ها باید مبنای داوطلبانه داشته باشند و باید به سمت فعالیت‌هایی هدایت شوند که اثرات مفید آشکاری برای جامعه داشته باشند. به عنوان مثال می‌توان با کمک به فقرا و بیماران، جمع کردن زباله‌ها در پارک، مراقبت از مناطقی که در معرض خطر جرم هستند، یا کمک به افراد نیازمند اشاره کرد.

- تفکیک‌زدایی شهری و اجتماعی

سیاست‌هایی برای کاهش تفکیک در سطح شهری یا اجتماعی باید اعمال شود. شواهد نشان می‌دهد که این کار پتانسیل روانی را در کاهش تبعیض و رفتار مطلوب‌تر با افراد قومیت‌های مختلف نشان می‌دهد. بنابراین، دولت‌ها باید به منظور افزایش امکان تماس‌های اجتماعی بین شهروندان مشهد و مهاجران اقدام کنند. این امر باید در سطوح مختلف رخ دهد.

- تعادل و تناسب برنامه‌های حمایتی از مهاجران و شهروندان

سیاست‌های مرتبط با مهاجران باید تلاش کنند تا با بی‌طرفی شناخته شوند و باید مراقب بود که شهروندان مشهد به اندازه مهاجران از برنامه‌های سیاستی که اجرا می‌گردد، بهره‌مند شوند. یک نتیجه قابل توجه ناشی از مطالعه حاضر این است که حتی اگر تمایل به پاداش دادن به مهاجران به طور قابل توجهی افزایش یابد، پاداش شهروندان مشهد نیز به طور متناسب باید افزایش یابد.

- فرهنگ‌سازی رسانه درباره توجه به مهاجران

بخش رسانه‌ها و سازمان‌های جامعه مدنی مربوطه باید در فرآیند انتقال اطلاعات بی‌طرفانه و عاری از کلیشه‌های مهاجران به عموم مشارکت داشته باشند. توصیه می‌شود که

دولت، عوامل رسانه‌ای را تشویق به تدوین، اتخاذ و انتشار اصول رفتاری با هدف اطمینان از اطلاع‌رسانی بی‌طرفانه اخبار، خودداری از کلیشه‌سازی مهاجران، و تمایل به برقراری ارتباط با «داستان‌های موفقیت» ادغام مهاجران در جامعه به جای تمرکز انحصاری در مورد داستان‌های منفی شکست در ادغام مهاجران کند.

کتابنامه

۱. آخوندی، ع. (۱۳۹۴). حاکمیت دوگانه در حاشیه شهر. (پناهی. م، مصاحبه‌کننده). *ویژه‌نامه تحلیلی دفتر پژوهش مؤسسه فرهنگی هنری خراسان (رصد) ویژه‌نامه حاشیه‌نشینی*. مشهد.
۲. اشتراوس، ا؛ و کوربین، ج. (۱۳۹۱). *مبانی پژوهش کیفی، فنون و مراحل تولید نظریه زمینه‌ای*. (افشار. ا، مترجم). تهران: نشر نی.
۳. رحیمیان، ب. (۱۳۹۴). *بررسی پدیده حاشیه‌نشینی در استانهای کشور*. بازیابی از خبرگزاری مهر: <https://www.mehrnews.com>
۴. ظهیری‌نیا، م. (۱۳۹۵). گروه‌های مهاجر شهر بندرعباس. *فصلنامه مطالعات ملی*، ۱۷ (۴)، پیاپی ۶۸، ۱۵۰-۱۳۳.
۵. فاضلی، ع. (۱۳۷۵). *بررسی اشتغال مهاجرین وارد به مشهد (نمونه سر ولایت‌های مقیم مشهد)*. *پایان‌نامه کارشناسی ارشد*. گروه جغرافیا، دانشگاه فردوسی مشهد.
۶. فرزادمنش، ش؛ و بشیر، ح. (۱۴۰۱). گونه‌شناسی ادغام هویتی اقوام افغانستانی در جمهوری اسلامی ایران (مطالعه موردی: شهرستان دماوند). *فصلنامه مطالعات میان فرهنگی*، پیاپی ۵۰، ۹-۴۰.
۷. قادرزاده، ا؛ محمدی، ف؛ و محمدی، ح. (۱۳۹۶)، جوانان و روابط پیش از ازدواج. *راهنبرد فرهنگ*، شماره ۳۷، ۷-۴۰.
۸. محمدپور، ا. (۱۳۸۹). طرح‌های تحقیق با روش‌های ترکیبی: اصول پارادایمی و روش‌های فنی. *مجله مطالعات اجتماعی ایران*، دوره ۴، شماره ۲، ۱-۲۶.
۹. نجف‌زاده، ع. (۱۳۸۹). پژوهشی درباره اقوام، اقلیت‌ها و مهاجرین ساکن شهر مشهد. *مجله مشهدپژوهی*، ۴، ۱۱۵-۱۴۴.
۱۰. نوغانی، م؛ و محمدی، ف. (۱۳۹۵). گرایش به ارتباط با جنس مخالف: مطالعه‌ای در باب پسران شهر مشهد. *مسائل اجتماعی ایران*، سال ۷، شماره ۱، ۱۶۳-۱۸۴.

۱۱. ولیقلی‌زاده، ع. (۱۳۹۸). بررسی و تحلیل رفتار هویتی مهاجران قومی در کلان‌شهر تهران (مطالعه موردی: ساکنان آذربایجانی منطقه ۱۰ تهران). *نشریه پژوهش‌های جغرافیای سیاسی*، ۴(۳)، پیاپی ۱۵، ۱۳۳-۱۶۲.

12. Adams, N., & Sydie, R. A. (2001). *Sociological theory*. USA/UK/India: Pine Forge Press, Sage publication.
13. Alarian, H. M., & Neureiter, M. (2019). Values or origin? Mandatory immigrant integration and immigration attitudes in Europe. *Journal of Ethnic and Migration Studies*, 1-23.
14. Algan, Y., Dustmann, C., Gritz, A., & Manning, A. (2010). "The Economic Situation of First and Second Generation Immigrants in France, Germany and the United Kingdom." *Economic Journal* 120 (542), 4-30.
15. Anderson, B. (2013). *Us and Them*. Oxford: Oxford University Press.
16. Bijak, J. (2011). *Forecasting International Migration in Europe: A Bayesian View*, Dordrecht, Springer Press.
17. Blau, F.D., Kahn, L.D., & Papps, K.L. (2011). Gender, source country characteristics, and labor market assimilation among immigrants. *Review of Economics and Statistics*, 93, 43-58.
18. Bogardus, E. S. (1930). A race-relations cycle. *American Journal of Sociology*, 35(4), 612-617.
19. Borjas, G. J. (1989). Economic theory and international migration. *International Migration Review*, 23(3), 457-485.
20. Brunkhorst, H. (2002). Globalising democracy without a state: Weak public, strong public, global constitutionalism. *Millennium Journal of International Studies* 31(3), 675-690.
21. Rublee, B., & Shaw, S. M. (1991). Constraints on the Leisure and Community Participation of Immigrant Women: Implications for Social Integration, *Society and Leisure*, 14 (1), 133-150.
22. Conner, N. (2019). Religion and the Social Integration of Migrants in Dublin, Ireland. *Geographical Review*, 109, 27-46.
23. Dustmann, C., & I. Preston. (2007). Racial and economic factors in attitudes to immigration, B.E. *Journal in Economic Analysis and Policy*, 7, 1, 1935-1682.
24. Dustmann, Ch., Gritz, A., Schönberg, U., & Brücker, H. (2016). Referral Based Job Search Networks. *Review of Economic Studies* 83(2), 514-46.
25. Elster, J. (1989). *Nuts and bolts for the social sciences*. Cambridge: Cambridge University Press.
26. Esser, H. (1980). *Aspekte der Wanderungssoziologie*. Darmstadt: Luchterhand.
27. Esser, H. (2006b). Sprache und Integration: Die sozialen Bedingungen und Folgen des Spracherwerbs von Migranten. Frankfurt a. M: Campus.

28. Esser, H. (2008b). Does the 'New' immigration require a 'New' theory of intergenerational integration. In A. Portes & J. DeWind (Eds.), *Rethinking migration. New theoretical and empirical perspectives* (pp. 308–341). New York: Berghahn Books.
29. Faist, T. (2000). *The volume and dynamics of international migration and transnational social spaces*. Oxford, MA: Oxford University Press.
30. Fajth, V., & Bilgili, Ö. (2018). Beyond the isolation thesis: exploring the links between residential concentration and immigrant integration in the Netherlands, *Journal of Ethnic and Migration Studies*, 1-20.
31. Fawadleh, H. (2022). Palestinians in France: Integration Versus Community Integration. *Int. Migration & Integration* 23, 1495–1514.
<https://doi.org/10.1007/s12134-021-00895-1>
32. Filomeno, F. A. (2019). The potential of dialogues on social identity and diversity for immigrant civic integration. *Evaluation and Program Planning*, 77, 101-108.
33. Finney, N. (2009). *Sleepwalking to Segregation?: Challenging Myths About Race and Migration*. Bristol: Policy Press.
34. Friedberg, R. M. (2000). You can't take it with you? Immigrant assimilation and the portability of human capital. *Journal of Labor Economics*, 18(2), 221–251.
35. Gathmann, Ch., Keller, N., & Monscheuer, O. (2015). Citizenship and the Social Integration of Immigrants: Evidence from Germany's Immigration Reforms, Annual Conference 2015 (Muenster): Economic Development - Theory and Policy, Verein für Socialpolitik / German Economic Association
36. Gathmann, N., & Keller, C. (2017). *Citizenship and Social Integration*, IZA Working Paper, Institute of Labor Economics.
37. Granovetter, M. S. (1973). The strength of weak ties. *American Journal of Sociology*, 78 (6), 1360-1380.
38. Habermas, J. (2010). Jürgen Habermas: The public sphere: An encyclopedia article (1964). In: Gripsrud J and Eide M (eds) *The Idea of the Public Sphere : A Reader*. Lanham, MD: Lexington Books, pp. 114–120.
39. Helbling, M., Simon, S., & Schmid, D. (2020). Restricting immigration to foster migrant integration? A comparative study across 22 European countries. *Journal of Ethnic and Migration Studies*, 46(13), 2603-2624, DOI: 10.1080/1369183X.2020.1727316.
40. Hellgren, Z. (2016). 'Immigrant Integration as a Two-way Process? Stakeholder Discourses and Practices in Stockholm and Barcelona.' *Psychosociological Issues in Human Resource Management* 4(1), 143-167.
41. Kogan, I., Fong, E., & Reitz, J. (2019). Religion and integration among immigrant and minority youth. *Journal of Ethnic and Migration Studies*, 1-17.
42. Lancee, B., Birkelund, M., Coenders, V., Di Stasio, M., Fernandez-Reino, A., Heath, A., &... Koopmans, R. (2019). Growth, Equal Opportunities, Migration

- and Markets (GEMM) Technical Report. <http://gemm2020.eu/wp-content/uploads/2019/02/GEMM-WP3-technical-report.pdf>.
43. Lee, E. S. (1966). A theory of migration. *Demography*, 3(1), 47–57.
 44. Marshall, M., & Stolle, D. (2004). Race and the city. Neighborhood context and the development of generalized trust. *Political Behavior*, 26(2), 126–153.
 45. Öberg, S. (1996). Spatial and economic factors in future south-north migration. In W. Lutz (Ed). *The future population of the world: What can we assume today?* (pp. 336–357). London: Earthscan.
 46. Olaiya, T. (2020). Migration and Employment Policy and Their Impact on Social Integration: Evidence From Nigeria. *Journal of Public Administration and Governance*, 10 (2), 63-84.
 47. Penninx, R., & Garcés-Masareñas, B. (2016). *The Concept of Integration as an Analytical Tool and as a Policy Concept*. In: Garcés-Masareñas B., Penninx R. (eds) *Integration Processes and Policies in Europe*. IMISCOE Research Series. Springer, Cham.
 48. Portes, A., & Rumbaut, R. G. (2001). *Legacies: The story of the immigrant second generation*.
 49. Portes, A., & Rumbaut, R. G. (2006). *Immigrant America. A portrait* (3rd ed.). Berkeley: University of California Press.
 50. Portes, A., & Zhou, M. (1993). The new second generation: Segmented assimilation and its variants.
 51. Putnam, R. D. (1993). The prosperous community: social capital and public life. *The American Prospect*, 13, 35-42.
 52. Putnam, R. D. (2000). *Bowling alone: The collapse and revival of American community*. New York: Simon and Schuster.
 53. Sanders, J. M., Victor, N., & Scott, S. (2002). Asian Immigrants Reliance on Social Ties in a Multiethnic Labor Market. *Social Forces* 81(1), 281–314.
 54. Scheff, T. J. (2007). A concept of social integration. *Philosophical Psychology* 20 (5), 579 – 593
 55. Simmel, G. (1908, 1950). *Soziologie: Untersuchungen über die Formen der Vergesellschaftung*. Leipzig: Translated and edited by Kurt H. Wolff. New York: The Free Press.
 56. Sobolewska, M., Galandini, S., & Lessard-Phillips, L. (2016). The public view of immigrant integration: multidimensional and consensual. Evidence from survey experiments in the UK and the Netherlands. *Journal of Ethnic and Migration Studies*, 43(1), 58–79.